

وودرو ویلسون

Woodrow Wilson

«توماس و وودرو ویلسون» بیست و هشتمین رئیس جمهور ممالک متحده امریکا در تاریخ ۲۸ دسامبر ۱۸۵۶ در شهر «ستانتون» متولد شد. اجداد وی از اهالی اسکاتلند بودند. پدرش کشیش و در الهیات صاحب تحقیق و تتبع بود. ویلسون سالهای اول زندگی خود را در ایالات «جورجیا» و «کارولینا» می جنوبی صرف کرد. سختیها و مشقات زندگی اهالی جنوبی در او سخت تأثیر کرد، در سال ۱۸۷۵ یعنی در ۱۹ سالگی بدانشگاه «پرینستون» داخل و چهار سال بعد فارغ التحصیل شد، ویلسون دانشجوی درجه اول نبود ولی در انجمنهای ادبی و انتقادی دانشگاه اظهار وجود میکرد و در ورزش و بازی از اقران و همسران خود پیش بود.

مهمترین کاری که در دوران تحصیل خود انجام داد نگارش مقاله‌ای بود که در مجله «اینتر ناسیونال ریویو» به چاپ رسید. در این مقاله ویلسون طرز کار کنگرس را مورد بحث و انتقاد قرار داد

اولین اثر
ادبی ویلسون

و بعدها تحقیقات و مطالعات خود را در همین زمینه ادامه داد و اصول عقاید سیاسی او از آن مطالعات سرچشمه گرفت. ویلسون در دانشگاه «ورجینیا» به تحصیل حقوق پرداخت و مدتی در شهر «اتلانتا» بشغل و کالت داد گسترش اشتغال داشت. این شغل مورد پسند او واقع نشد و تصمیم گرفت که آنرا ترک کند و مطالعات خود را در رشته تاریخ و طرز حکومت در دانشگاه ادامه داد و در سال ۱۸۸۶ باخذ درجه دکتری نائل آمد. ویلسون در پایان نامه دکتری خود طرز کار حکومت و کنگرس را مورد انتقاد قرار داد و چون با بیانی شیوا برشته تحریر در آورده بود رساله او چندین بار در امریکا بطبع رسیده است.

ویلسون درعالم آموزش و پرورش

پس از اخذ درجه دکتری ویلسون با شغل معلمی مشغول خدمت شد و تا سال ۱۸۸۸ دانشیار تاریخ و اقتصاد سیاسی بود سپس بمقام استادی رسید. در سال ۱۸۹۰ باستادی رشته حقوق و اقتصاد سیاسی دانشگاه برگزیده شد و در همین مقام بود و سپس بریاست دانشگاه



انتخاب گردید. ویلسون در شغل استادی دانشگاه شهرت زیادی پیدا کرد، سخنرانیهای او از جهت روشنی بیان و سلاست گفتار و انتخاب الفاظ مشهور بود و همین خصائص

در نوشتجات او نیز دیده میشود. ویلسون در کلیات بیشتر استعداد داشت تا در مطالعه دقیق و تحقیق و تتبع و پس از نشر رساله دکتری کتاب مهم دیگری ننوشت و بیشتر آثار او بصورت مقاله منتشر شده است. مقالات او اگرچه از نظر تبّحّر و ابتکار برجسته نیست ولی در انتقاد و عیب جوئی از نوشته های خوب بشمار میرود.

اصلاح دانشگاه

در مقام ریاست دانشگاه ویلسون با اصلاحات پرورشی و اجتماعی دانشجویان همت گماشت و برای بالا بردن سطح معلومات و آشنا ساختن دانشجویان به بحث و تحقیق روشی که برای امریکا تازه داشت بوجود آورد. دانشجویان بگروه های کوچک تقسیم میشدند تا با اساتید خود تماس بیشتری داشته و بتوانند با آنها بحث کرده مشکلات خود را پیرسند و حسن انتقاد در آنان پیدا شود. خوانندگان البته توجه دارند که این روش در مدارس قدیمه ایران معمول بوده و علما و دانشمندان ایران با همین روش پرورش می یافتند.

ویلسون سعی کرد در زندگانی اجتماعی دانشجویان دانشگاه، روش دمکراسی را وارد سازد ولی در این قسمت با مخالفت هائی روبرو شد. ویلسون در دوره خدمت دانشگاهی خود بمسائل سیاسی روز توجه مخصوصی مبذول میداشت و با سخنرانیها و مقالات، شهرت زیادی در سراسر کشور امریکا بدست آورد.

ویلسون

در عالم سیاست

در سپتامبر ۱۹۱۰ ویلسون از طرف حزب دمکرات نامزد حکومت ایالت «نیوجرسی» گردید و چون اقدامات اصلاحی او در دانشگاه با عدم کامیابی مواجه شده بود این پیشنهاد را با

کمال میل پذیرفت و از شغل دانشگاهی خود دست کشیده وارد سیاست شد و بمبارزه انتخاباتی مشغول گردید. ریاست حزب دمکرات را نیز عهده دار شد. ویلسون در شغل ریاست دولت نیوجرسی با اقدامات و اصلاحات اجتماعی زیادی دست زد و موفق هم گردید.

در ماه ژوئن ۱۹۱۲ کنگره حزب دمکرات برای انتخاب کاندید ریاست جمهوری در شهر «بالتیمور» تشکیل گردید و ویلسون در نتیجه اصلاحات اجتماعی کسب شهرت کرد و نام او

ویلسون و مقام

ریاست جمهوری

نیز در بین نامزدهای این مقام برده میشد ظاهرآ نمایندگان کنگره حزبی تحت تأثیر عناصر

محافظة کار بودند و انتخاب ویلسون که طرفدار اصلاحات اجتماعی بود بعید و غیر محتمل بنظر میرسید. نمایندگان محافظه کار در انتخاب یکی از دو نفر کاندید خود اختلاف نظر شدیدی پیدا کردند و لیدر ترقیخواهان یعنی «برایان» بفتح ویلسون شروع بکار کرد و پشتیبانی او از ویلسون موثر واقع شد و در ۲ ژوئیه ۱۹۱۲ بنامزدی حزب دمکرات برای مقام ریاست جمهوری کشورهای متحده امریکا انتخاب گردید.

ویلسون در مبارزه انتخاباتی بطرفداری از توده که از طرز اداره حزب جمهوریخواه ناراضی بودند برخاست. نطقهای او که با بیانی شیوا ادا میشد مورد تمجید و تحسین واقع گردید. او معتقد بود که در آرمان ملی باید تجدید حیات بعمل آید و در مسائل جاری کشور از قبیل تعرفه گمرکی و قوانین شرکتها و پول و مقررات کار و غیره معتقد بود که باید حق و عدالت مجری گردد و نیز عقیده داشت که دولت امریکا در نتیجه تقید بقوانین موجود و در نظر داشتن منافع یک طبقه خاص فرصتهای بزرگی را از دست داده است، معهدنا پیشنهاد های اصلاحی ویلسون شدید نبود و روی جنبه اعتدال را از دست نمیداد. در بسکی از سخنرانیهای خود گفت: ما محتاج بانقلاب نیستیم و تغییرات ناگهانی و شدید لازم نداریم آنچه که ما میخواهیم روش جدید و روحیه تازه است. توده با این روش و سیاست روی خوش نشان میداد معهدنا اگر حزب مخالف در انتخاب کاندید خود اختلاف نظر پیدا کرده بودند انتخاب ویلسون خالی از اشکال نبود حریرف او «تودور روزولت» بود که سابقاً نیز رئیس جمهور بوده و در امریکا شهرت بسیار داشت.

سیاست ویلسون در دوره ریاست جمهوری

با اینکه ویلسون از طرف اقلیت ملت انتخاب شده بود معهدنا وقتی در ماه مارس ۱۹۱۳ رسماً بمقام ریاست جمهوری رسید موقعیت او بسیار مستحکم بود، در هر دو مجلس کنگره حزب دمکرات اکثریت داشت. کابینه ویلسون زیاد برجسته

نبود ویلسون بمجرد احراز مقام اظهار داشت که او شخصاً نفوذ خود را بکار خواهد برد. تا قوانین و اصلاحاتی که در طی مبارزه انتخاباتی بآب اشاره کرده بود از کنگره بگذرد و همین کار را کرد. یکی از اولین اقدامات او پائین آوردن تعرفه گمرکی بود

که با مخالفت شدید رو برو شد و ویلسون با پشتیبانی افکار عمومی بر این مخالفت فائق آمد. کسر عوائد را که در نتیجه تقلیل تعرفه گمرکی بوجود می‌آمد با مالیات بردرآمد که بیشتر بر ثروتمندان و صاحبان صنایع شمال تحمیل شد جبران کرد و بهمین جهت آنها را از خود ناراضی نمود از اقدامات دیگر او اصلاحات مالی و بانکی بود و قوانین جدیدی برای شرکت های بازرگانی وضع کرد که بحال طبقه کارگرسودمند واقع شد. من بعد اعتصاب کارگران يك عمل، خلاف قانون بشمار نمی‌آمد. در سیاست خارجی روش معینی نداشت و سیاست خارجی وی چندین مورد توجه واقع نگردید بطور کلی منافع سایر ملل را حتی الامکان در نظر داشت و برای «خود مختاری» جزائر فلیپین قدمهای مهم برداشت.

مسئله مکزیک

سیاست ویلسون نسبت بمکزیک مورد انتقاد واقع گردید وقتی در مکزیک حکومت دیکتاتوری بوجود آمد و ویلسون سیاست

مراقبت و بی طرفی در پیش گرفت و عدم مداخله او در برانداختن حکومت دیکتاتوری مکزیک مورد انتقاد واقع شد طبقات ذینفع مالی در اروپا و امریکا عقیده داشتند که دولت امریکا باید در امور مکزیک مداخله کند ولی ویلسون با مداخله رسمی جداً مخالف بود مع هذا چون از طرف مکزیکها نسبت باتباع امریکا نوهینی بعمل آمد و تجاوزاتی بمنافع امریکاند دولت امریکامجبور بمداخله مسلحانه گردید و «وراکروز» را تصرف کرد. ویلسون پیشنهادهای میانجیگری دول آرژانتین و برزیل و شیلی را با کمال خوشوقتی پذیرفت و دولت امریکا «وراکروز» را از قوای خود تخلیه کرد. دیکتاتور مکزیک فرار کرد و آن کشور دچار هرج و مرج گردید. در ماه مارس ۱۹۱۶ دولت امریکا بعلت تجاوزات مکزیکها مجبور شد سرحدات خود را بوسیله صد هزار سرباز مسلح حفظ کند بالاخره کمیسیون برای رسیدگی باینکار تشکیل گردید و در ژانویه ۱۹۱۷ دولت امریکا آخرین سرباز خود را از خاک مکزیک خارج کرد. ویلسون عقیده داشت که يك دولت بزرگ نباید از ضعف يك دولت همسایه به نفع خود استفاده کند.

آغاز جنگ بین‌المللی اول

جنگ جهانی گذشته آغاز شد و در بدو امر ویلسون اصرار داشت که دولت امریکا سیاست بیطرفی پیش گیرد. در ۴ اوت ۱۹۱۴ و مجدداً در ۱۸ همان ماه بیطرفی امریکا را رسماً اعلام

داشت پیشنهاد میانجیگری او بدون جواب ماند و همه کوششهای او در این زمینه بی اثر بود ویلسون سیاست بیطرفی خود را در طی سخنرانیهای متعدد خاطر نشان کرد ولی طولی نکشید که در نتیجه تماس جنگ با منافع حیاتی امریکا مشاجره و مباحثه با طرفین متخاصمین در گرفت اقدامات دولت انگلیس برای نظارت در صدور کالا با آلمان مورد مخالفت ویلسون واقع گردید و او ویلیام برابان وزیر خارجه خود را مأمور کرد بدولت انگلیس اعتراض کند و یاد داشتهائی در این زمینه رد و بدل شد و موضوع لاینحل ماند.

اختلاف با دولت آلمان

مشاجرات سیاسی با دولت آلمان جدی تر و سختتر بود در آن موقع آلمانیها منطقه اطراف جزائر بریتانیا را منطقه جنگی اعلام کردند و زیر دریائیهای آنسولت کشتی های بازرگانی

دشمن را مورد تهدید قرار داد و در نتیجه جان و مال اتباع دول بیطرف که در آن کشتی ها مسافرت میکردند در معرض خطر قرار گرفت. دولت امریکا در تاریخ ۱۰ فوریه ۱۹۱۵ یادداشتی بدولت آلمان فرستاد و آن دولت را مسئول عملیات خلاف قانون فرماندهان زیر دریائی قرارداد. ویلسون برای جلوگیری از جنگ زیر دریائی سعی وافق مبذول داشت ولی کوشش های او به نتیجه نرسید و جنگ زیر دریائی شدت یافت در ۷ مه ۱۹۱۵ کشتی بزرگ «لوزیتانیا» غرق شد و متجاوز از یکصد نفر از اتباع امریکا تلف شدند. در اینموقع ویلسون برخلاف انتظار افکار عمومی در امریکا طی نطقی اظهار داشت که وی در حفظ بیطرفی پایدار خواهد ماند و سعی کرد از آلمانیها التزام بگیرد که من بعد کشتیهای بازرگانی را بدون اعلام خطر غرق نکنند و بمسافرین فرصت نجات بدهند یاد داشتهای مفصلی بین دو دولت رد و بدل گردید. «برابان» وزیر خارجه امریکا که لحن یاد داشتهای ویلسون را شدید میدانست استعفا داد از طرف دیگر صبر و حوصله ویلسون در مقابل بی‌اعتنائی دولت آلمان و ادامه جنگ

زیر دریائی و غرق کشتی های بازرگانی از طرف آندولت موجب خشم اهالی امریکا گردید و حملات سختی بر ضد سیاست رئیس جمهوری بعمل آمد ویلسون موفق شد از آلمانیها قول بگیرد که کشتی های مسافری را بدون خبر غرق نکنند در ضمن بکوتش خود برای منصرف کردن آلمانیها از جنگ زیر دریائی ادامه داد. بعضی از نمایندگان کنگره سعی کردند با تصویب مقرراتی که مسافرت اتباع امریکارا در کشتی های متخاصم قدغن میکرد از ارزش قول آلمانیها بکاهند رئیس جمهوری مانع تصویب این قانون شد و اظهار داشت که او با هر قانونی که حقوق اتباع امریکارا محدود کند مخالفت خواهد کرد کمی بعد در ۲۴ مارس ۱۹۱۶ روابط با آلمان در نتیجه غرق کشتی «ساکس» تیره تر شد. ویلسون قبل از ارسال یادداشت با آلمان سه هفته صبر کرد و یادداشتی که در ۱۹ آوریل ۱۹۱۶ فرستاد تقریباً اولتیماتوم بدولت آلمان بود و اعلام میداشت که اگر آلمان از روش خود در جنگ زیر دریائی دست نکشد دولت امریکا مجبور خواهد شد روابط سیاسی خود را با آن دولت قطع کند. دولت آلمان جواب داد که قبول تقاضای امریکا مشروط بر آنست که دولت انگلیس از محاصره دریائی دست بردارد در ضمن دولت آلمان تعهد کرد از آن تاریخ ببعد کشتی های تجارتنی را بدون اعلام خطر غرق نکنند مسئله جنگ زیر دریائی بدین طریق تا حدی تخفیف یافت.

ویلسون از این موفقیت سیاسی در انتخابات ریاست جمهوری

ویلسون برای

دومین مرتبه بریاست

جمهوری انتخاب

میشود

استفاده کرد؛ طرفداران وی موفق شدند ثابت کنند که ویلسون توانسته است هم از جنگ برکنار بماند و هم منافع امریکارا حفظ کند این پروپاگاندا در ایالات مرکزی مؤثر افتاد؛ حزب جمهوریخواه سیاست خارجی ویلسون را مورد انتقاد قرار داد.

و میگفت که او در حفظ منافع و شرافت امریکا در مورد مسئله مکریک و همچنین در مورد دولت آلمان کوتاهی کرده است. سیاست داخلی او را عوام فریبانه میدانست ویلسون در ایالات شرقی و جبهه خوبی نداشت ولی در مناطق کشاورزی و ایالات ساحلی اوقیانوس کبیر اکثریت داشت و در انتخابات با اکثریت کمی بریاست جمهوری انتخاب شد.

پیشنهاد صلح

پس از آنکه ویلسون مجدداً بریاست جمهوری انتخاب گردید بدول متخاصم اروپا پیشنهاد صلح کرد این پیشنهادها را در بهار

سال ۱۹۱۶ تهیه دیده بود در ضمن بدولتین انگلیس و فرانسه اطلاع داد که اگر متفقین شرایط صلح را بپذیرند و آلمان رد کند محتمل است دولت آمریکا برضد دولت آلمان وارد جنگ شود متفقین روی خوشی نشان ندادند و ویلسون مجبور شد مستقلاً اقدام نماید در ۱۸ دسامبر یادداشت‌های مشابهی بدول متخاصم فرستاد و از آنها درخواست کرد شرایط صلح خود را اعلام دارند پاسخ دولت آلمان مبهم و سرسری بود متفقین صلح را مشروط بجهت‌ان کامل خسارات و پرداخت غرامات و ضمانت لازم از طرف آلمان دانستند پس از وصول پاسخها ویلسون برای صلح پایدار در جهان نظریاتی پیدا کرد و عقاید خود را طی نطقی که در ۲۲ ژانویه ۱۹۱۷ ایراد داشت بیان کرد و اظهار داشت که صلح فقط بوسیله زور و پشتیبانی اکثریت افراد بشر امکان پذیر است و دنیا بداشتن انجمنی که از همه دول عالم ترکیب شده باشد احتیاج دارد تا هیچ ملتی نتواند اراده خود را بزور تحمیل ملت دیگری بکند و زمین و دریا انحصار هیچ دولتی نباشد. تسایحات باید محدود گردد و جنگ جهانی بدون آنکه یکطرف خود را فاتح و پیروزمند بداند خاتمه یابد.

اعلان جنگ با آلمان

محافل نظامی آلمان بدون توجه بمنافع آمریکا جنگ زیر دریایی را مجدداً شروع کردند در ۳۱ ژانویه سفیر کبیر آلمان در آمریکا

یادداشتی از طرف دولت خود تقدیم رئیس جمهور کرد و رئیس جمهوری پس از ۴ روز اسناد و مدارک او را تسلیم وی کرد و روابط بین دو دولت قطع شد ویلسون هنوز از جنگ با آلمان احترام داشت برای مجوز کردن کشتی‌های بازرگانی آنکشور طرحی برای

تصویب بکنگره فرستاد کنگره با این عمل مخالفت کرد چون کشتی‌های آمریکا مرتباً از طرف دولت آلمان غرق میشد رئیس جمهور در ۲ آوریل ۱۹۱۷ بکنگره آمده و حالت جنگ بین دولت آمریکا و آلمان را اعلام داشت این تصمیم بتصویب کنگره رسید ویلسون همیشه با اعمال قوه و زور در روابط بین المللی مخالف بود و جنگی را که بدون رضایت قلبی شروع کرده بود برای تضمین صلح لازم می‌شمرد معهذا وقتی جنگ شروع شد معتقد بود که باید با جدیت و کفایت ادامه یابد و اشتباهات گذشته تکرار نشود ویلسون سعی کرد سیاست را از امور نظامی جدا نگاهدارد و مسائل نظامی را بکارشناسان و اهل فن واگذار کرد ژنرال پرشینگ بفرماندهی نیروی اعزامی آمریکا منصوب گردید و اعزام نیرو بفرانسه آغاز شد در تشکیلات ارتشی رئیس جمهوری مداخله زیادی نداشت و همواره کوشش میکرد که همه اختیارات نظامی در دست ستاد ارتش باشد.

در طی جنگ ویلسون همواره در فکر ایجاد يك سیستم بین‌المللی جدیدی که ضامن بقای صلح و عامل جلوگیری از جنگ باشد بود و امید داشت پس از جنگ پایه و اساسی

طرح پیشنهادی معروف به ماده ۱۴

برای صلح دائمی ریخته شود یکی از مهمترین سخنرانی‌های وی در ۱۸ ژانویه ۱۹۱۸ ایراد شد و در طی آن ماده مشهور را که برای صلح عادلانه و دائمی لازم می‌شمرد خاطر نشان کرد (۱۴ ماده نامبرده در همین مجله جداگانه چاپ میشود) دولت آلمان و دولت اطریش پس از شکست در پائیز ۱۹۱۸ بویلسون روی آورده و ۱۴ ماده او را بعنوان اساس مذاکرات صلح قبول کردند ویلسون در نتیجه اصراریکه برای رعایت حق و عدالت داشت در کشورهای متفق نفوذ زیادی پیدا کرده بود ولی اولیای امور این کشورها در قبول ۱۴ ماده پیشنهادی او تردید داشتند و از آن جهت بی‌مناک بودند که مبدا نمره پیروزی عاید آنها نگردد ولی بالاخره در نتیجه اصرار نماینده دولت آمریکا ۱۴ ماده مزبور مورد قبول واقع شد بشرط آنکه آزادی دریاهای و پرداخت غرامات از طرف دولت آلمان مورد قبول واقع شود رئیس جمهوری متوجه شد که بصورت قرار داد در آوردن آمال و آرزوهای او کاری آسان نیست صرف نظر از مخالفت‌هاییکه ممکن بود میلیون بعضی از کشورها بعمل آورند در خود آمریکا هم با عقیده او همراه

نبودند و مخالف زیاد داشت. فکرایجاد مجمع اتفاق ملل که ویلسون برای صلح عادلانه و دائم لازم می‌شمرد چندان مورد توجه نبود بعلاوه ویلسون در اثر اشتباهاتی که در سیاست داخلی آمریکا مرتکب شده بود موقعیت خود را از دست داده و بر تعداد مخالفین خود افزوده بود. مثلاً یکی از اشتباهات او این بود که در موقع انتخابات کنکرم ویلسون بمردم آمریکا توصیه کرد بکاندیدهای حزب دمکرات رأی بدهند حزب جمهوریخواه که در زمان جنگ بادولت و حزب دمکرات همکاری کرده بود رئیس جمهوری را مورد حمله و انتقاد قرار داد و اظهار داشت که رئیس جمهوری نباید از موقعیت و مقام خود بنفع حزب خود استفاده کند در نتیجه جمهوریخواهان در انتخابات توفیق یافته و اکثریت نصیب آنها شد.

ویلسون در کنفرانس صلح

از آنجائیکه تصور می‌کرد حضور او در کنفرانس صلح لازم خواهد بود ویلسون تصمیم گرفت شخصاً پیاریس برود و در ۴ دسامبر ۱۹۱۸ با اتفاق هیئت نمایندگی آمریکا بسوی اروپا حرکت کرد در انگلستان و فرانسه مردم مقدم او را گرمی دانسته او را با گرمی تمام استقبال کردند ویلسون در کشورهای متفق و همچنین در کشورهای دشمن مورد توجه عموم افراد قرار گرفته و نام او زبانتزد خاص و عام بود ولی چون ناچار بود باخواهشها و آرزوهای ملی بعضی از کشورها در کنفرانس صلح مخالفت کند بیشک از شهرت و نفوذ او کاسته میشد. کلنل هوس نماینده آمریکا بویلسون نصیحت کرد که بیک قرار داد کلی و عمومی صلح اکتفا کرده و فوراً با آمریکا مراجعت کند و در جزئیات و مسائل بغرنج خود را وارد نسازد ولی این امر بآسانی میسر نبود کنفرانس صلح در ژانویه ۱۹۱۹ شروع بکار کرد و ویلسون موفق شد اصول تشکیل مجمع اتفاق ملل را بکنفرانس بقبولاند و کمیسیون مربوطه باینکار طرح خود را در ۱۴ فوریه تقدیم داشت وقتی ویلسون با آمریکا مراجعت کرد مشاهده کرد که حزب جمهوریخواه با تشکیل مجمع اتفاق ملل سخت مخالفت میکند افکار عمومی نیز انقدرها باین موضوع اهمیت نمیداد ویلسون در ماه مارس مجدداً سفری بارویا کرد تا ماده را که مطابق میل و افکار و احساسات امریکائیان بود در اساسنامه مجمع اتفاق ملل بکنجانند بالاخره آخرین طرح پیشنهادی در ۲۸

آوردیل بانفاق آرا بتصویب رسید .

اشکالات

کنفرانس صلح

ادعاهای ارضی فرانسه و ایتالیا و ژاپون با اصولی که ویلسون هواخواه آن بود متباین و متناقض بنظر میرسید در این زمینه مباحثات مفصل بعمل آمد و بالاخره ویلسون ناچار شد بایاره‌ای

از آن درخواستها موافقت کند از جمله تفویض ناحیه شاتونک ژاپون و تجدیدمرزی بنفع دولت ایتالیا و جدا کردن ناحیه ساراز آلمان و پرداخت غرامات سنگین بوسیله آن کشور و غیره . آزادبخواهان انگلیس و امریکا با این شرایط مخالفت کرده و اظهار داشتند که ویلسون اصول پیشنهادی خود را زیر پا گذاشته و آنها را رعایت نمیکنند . ویلسون معتقد بود که با ایجاد مجمع اتفاق ملل بی‌عدالتی‌های عهدنامه صلح درآینده جبران خواهد شد و خود مجمع نامبرده آنها را اصلاح خواهد کرد . ژنرال اسماتز نیز با او موافق بود در ۲۹ ژوئن ۱۹۱۹ یعنی روز بعد از امضای عهدنامه صلح ویلسون بسوی امریکا حرکت کرد و ویلسون از یکطرف در نتیجه مخالفت با ادعاهای ارضی فرانسه و ایتالیا نفوذ بین‌المللی خود را ازدست داده و از طرف دیگر عدم موفقیت او در اجرای آمال و آرزوهای خود از نفوذ وی نزد آزادبخواهان کاسته بود و ویلسون را نمیتوان در این عدم موفقیت مقصر دانست زیرا در آن موقع عوامل و شرایط برای اجرای کامل آرزوهای او فراهم نبود بزرگترین عمل کنفرانس صلح یعنی تشکیل تشکیل مجمع اتفاق ملل در نتیجه فکر ویلسون بوجود آمد و افتخار اجرای چنین قدم بزرگی در روابط بین ملل در تاریخ بنام ویلسون ثبت خواهد شد اگرچه مجمع اتفاق ملل در اثر نقائصی که داشت با عدم کامیابی رو برو شد و نتوانست از وقوع يك جنگ جهانی دیگر جلوگیری کند مع هذا فکر و ایده آل ویلسون قابل تقدیس است و شك نیست که در دنیای آینده مجمع اتفاق ملل بصورتی دیگر مجدداً بوجود خواهد آمد و پس از رفع نقائص و استفاده از تجربیات گذشته خدمات مهمی به عالم بشریت خواهد کرد .

شکست سیاسی ویلسون در امریکا

طرح تشکیل مجمع اتفاق ملل در کنگره امریکا مورد بحث و انتقال قرار گرفت ویلسون در نتیجه کار زیاد بیمار شده و مجبور بود مدتی استراحت کند و دیگر آن قوه و انرژی را برای مبارزه نداشت. حزب دموکرات هم رهبری نداشت که بتواند در غیاب او بمبارزه ادامه دهد. در نتیجه طرح تشکیل مجمع اتفاق ملل بتصویب کنگره نرسید و چون انتخابات ریاست جمهوری نزدیک بود ویلسون ترجیح داد آنرا با رأء عمومی واگذار کند. کاندید حزب دموکرات یعنی کسی که از تشکیل مجمع اتفاق ملل طرفداری میکرد شکست فاحش خورد و جمهوریخواهان با اکثریت زیادی پیش بردند بدینطریق اکثریت اهالی امریکا مخالفت خود را با تشکیل مجمع اتفاق ملل ابراز داشتند چس از این شکست بزرگ ویلسون در مسائل عمومی سکوت اختیار کرد و در پیام سالیانه خود در دسامبر ۱۹۲۰ به موضوع مجمع اتفاق ملل که نزد وی بسیار عزیز و گرانها بود ابدأ اشاره نکرد در ماه مارس ۱۹۲۱ دوره ریاست جمهوری وی پایان رسید. با وجود همه اینها جائزه صلح نوبل سال ۱۹۲۰ بویلسون تقدیم گردید. پس از کناره گیری از سیاست گوشه گیری اختیار کرد و در امور سیاسی بهیچوجه مداخله نکرد بیماری او شدت کرد و در ۳ فوریه ۱۹۲۴ در خواب در گذشت.

قضاوت در باره ویلسون

شکست ویلسون از قبولاندن سیاست صلح خود با امریکا یکی از مسائل شایان توجه تاریخ امریکاست. او ملت امریکارا در یکی از بزرگترین جنگها هدایت کرده و پیروزمند شده بود و با

وجود مخالفت شدید سیاستمداران اروپا موفق شده بود برنامه خود را بآنها بقبولاند. مع هذا جای بسی شگفتی است که مردم کشور امریکا آنرا رد کردند البته نباید فواموش کرد عوامل شخصی و حزبی در این شکست بی تأثیر نبوده است ویلسون در زندگانی خصوصی دارای شخصیت و نفوذ بیان فوق العاده بود ولی در زندگانی اجتماعی نتوانست حداکثر استفاده را از این خصائص ببرد شاید حجب ذاتی و ضعف مزاج مانع فعالیتهای اجتماعی زیاد بود یکی از عیوب ویلسون آن بود که با توده مردم تماس نداشت و از افکار و عقاید آنان دور بود.

دیگر آنکه با زعمای کنگره نتوانست روابط صمیمانه برقرار کند بهمین جهت مردم تصور میکردند ویلسون از نصیحت و مشورت گریزان است و خودپسند و خودداری است مخالفین از این انتقادها استفاده میکردند و از شهرت و نفوذ وی در نواحی صنعتی کاستند و بهمرفته انتقادهائی که از ویلسون شده است زیاد وارد نیست البته در مسائلی که با اصول عقاید وی تماس داشت سخت بود و بقضاوت کسانی که در اصول با او اختلاف داشتند ایمان نداشت ولی کسانی که با او کار کرده اند شهادت میدهند که او خواهان مشورت بوده و بقایید دیگران احترام میگذاشته است. او معتقد بود که بطور کلی رئیس جمهور مسئول سیاست کشور است و مایل نبود که رئیس جمهور تحت نفوذ کنگره باشد این مطلب را در نوشته های اولیه خود مورد بحث قرار داده بود. عقیده داشت که رئیس جمهور باید رهبر ملت باشد و نه تنها عامل قوه اجرائیه. کابینه را عامل اجرا میدانست نه انجمن مشاوره. تا وقتی که حزب دموکرات اکثریت داشت و ویلسون عقاید خود را بموقع اجرا میگذاشت وقتی این اکثریت را از دست داد با مخالفت شدید روبرو شد. ویلسون در جزئیات امور حاضر بمصالحه بود ولی مانند همه ایدئالیست ها و مانند همه پیشوایان مذهبی حاضر نبود از اصول عقاید خود منحرف شود و آن را تابع سیاست حزبی قرار دهد.

ویلسون را نباید مانند سیاستمدار قضاوت کرد بلکه باید او را در زمره پیشوایان دینی بشمار آورد. هیچکس مانند او ومؤثرتر از او بلزوم رعایت حق و عدالت و اصول اخلاقی در روابط بین المللی منعقد نبوده و برای اجرای آن جدیت نکرده است.

فکاهی

سرگلی دوا ندارد!

سر کله را بزیر فوطه پنهان	نشستم دوش در کنجی که سازم
مرا چون دید ز بنسان گشت خندان	در آن ساعت حکیمی در گذر بود
کز آن دارو سر کله راست درمان	بمن گفتا که داروئی مرا هست
ترا مو برس از خاصیت آن	بیا تا بر سرت یاشم که روید
مگر نشنیده ای حرف بزرگان	کشیدم از جگر آهی و گفتم
« در او تخم عمل ضایع مگردان »	« زمین شوره سنبل بر نیارد »

وحشی بافقی